



گرچه سری سفره شما قشنگ‌س؟

به انتخاب امیرجیبی

می‌کنن: ضرب‌المثلی توصیفی درباره مردم اصفهان که بیانگر پرداختن بیش از حد به جزئیات می‌باشد.

پاش رو مار باشد ورنه می‌داره: کنایه از انسان تنبل.

مخ چوری (جوجه) شدس: ضعیف و ناتوان شده.

آدم باید گرچه سری سفره شم قشنگ باشه: کنایه از توجه کردن به زیبایی در همه کارها.

نون و پنیر با دل دردش قیمت چلوکباب در میاد: اجتناب از خساست.

کلاه سرش گذاشت، حج عبدالقادر شد: در مواردی استفاده می‌شود که شخص ناگهانی صاحب ثروتی بشود.

قو نمی‌پرد: کنایه از خلوتی محیط.

مزه دهنشاً فهمیدم: از نیتش باخبر شدم.

خدا کند این چشم به اون چشم محتاج نشد: نوعی دعا که کنایه از این دارد کار انسان به دیگران واگذار نشود.

تا مخ پاش رودس: برای توصیف شخص پرخور استفاده می‌شود.

هرکسی آب قلبی خودشو می‌خوره: هر کس به قدر قلب پاک و نیت درست خودش مزد و اجر می‌گیرد.

پایزنه تیر تو حرفم: بدون اجازه و بی مقدمه در صحبت‌م وارد نشو، دخالت نکن.

جستار در فرهنگ مردم استان‌های مختلف کشور عزیزمان ایران، ما را با ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات مختلفی آشنا می‌کند که پیام‌های جالبی را در بر دارند. در این شماره برخی از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات رایج مردم شریف استان اصفهان را بخوانید.

از آتیشش کسی گرم نمی‌شد ولی از دودش کور می‌شد: معادل ضرب‌المثل مرا به خیر تو امید نیست شرمسان.

دس به تنبکی هرکی بزنی صدا می‌ده: همه به یک درد مشترک دچارند.

قسمت، قسمت جنبون می‌خواد: معادل ضرب‌المثل از تو حرکت، از خدا برکت.

اصفانیا یه ست (ساعت) میرن مهمونی، پنج ست خداحافظی





آدم استخون دار: انسان با اصل و نسب و نجیب

زُکیدن: بحث کردن، جدل کردن

چزیدن: حرص خوردن

ولحسو زدن: پرسه زدن

کله پترا: یاوه‌گویی، چرت و پرت گفتن

زق زق: درد گرفتن، برای بیان ناراحتی و یا بی حس شدن عضوی استفاده می‌شود.

چلندوچار: حرف بیهوده گفتن، یاوه‌گویی

آج و داغ کسی شدن: شیفته کسی شدن، دلدادۀ کسی شدن

تاب خوردن: گشت و گذار کردن

چکاچوییل: صورت، لب و دهان

ملاکاغذی: بادبادک

سیبه: به کوچه‌های بلند و باریک گفته می‌شود (کوچه آشتی کنان).

چوری: جوجه تازه از تخم درآمده، کنایه از انسان تازه کار و مدعی

بلاگیری درو وردن: شیطنت کردن

دلم انقلابس: دلشوره دارم، نگرانم

دمادولا: نزدیکی، اطراف

سیرتو سماق کردن: فریبکاری کردن

دِرزا چاق کردن: فرار کردن

طاقچه بالا گذاشتن: خود را فراتر از دیگران پنداشتن

برادون کشیدن: در مواردی استفاده می‌شود که شخصی توقع بیجا نسبت به مهیا بودن شرایط دارد.

تب تند زود عرقش می‌چاد: رفتار و کار بر اساس هیجان سرانجام خوشی ندارد و زود پایان می‌گیرد.

قربون ریحون برم که بوی کباب میده: وقتی شخصی قصد تعریف از دیگری را دارد ولی به هر دلیلی نمی‌تواند و به جای آن شخص از وابستگان او تعریف می‌کند.

تا پا رو دم سگ نزاری واق واق نمی‌کنه: کنایه از این‌که تا موجب آزار کسی نشوی درامانی.

بارسبک از بهشت اومده: کنایه از موهبت بودن کار آسان.

دست شکسته وبال گردنه: کنایه از این‌که نقص و عیب در کاری موجب زحمت و رنجش فرد است.

سگ نگا به دمش می‌کند و استخوان می‌جود: کنایه از مواظب بودن و احتیاط کردن بر مال خود.

از سرراه بری کلاه پاره میشه، از پا گیوه: هر شیوه‌ای زحمات خودش را دارد و کار بدون زحمت و بی هزینه ممکن نیست.

چاه باید از خودش بو داشته باشد: شخص باید سرشت و خمیره وجودی درستی داشته باشد.

شغال یا می‌دود یا عو می‌کشد: کنایه از هوچی‌گری و بی‌کار ننشستن انسان بد.

بنا که خشت خواست، باید داد دستش: فراهم کردن مقدمات کار برای صاحب‌کار و کمک کردن به او.

اصطلاحات:

آدمی یه غازی: انسان بی‌ارزش

کمری راوس هنو: هنوز در میانه راهیم

رانیمی برد: کاربلد نیست

وقی کردس: رنگش پریده، بی‌رنگ و رو شده

